



Iran Data Portal

Speaker or Agency: Ayatollah Dastgheyb

Title: Ayatollah Dastgheyb: One person cannot rule 70 million people

Language: English, Persian

Western Date: 6 February 2010

Persian Date: 17 Bahman 1388

Source:

http://www.dastgheib.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=649&Itemid=1

Ayatollah Dastgheyb: One person cannot rule 70 million people

Ayatollah Dastgheyb, senior religious figure and a member of the Assembly of Experts, for the anniversary of the Islamic Revolution said:

The armed forces should not interfere in political affairs, but it seems that today all the affairs of the country are in the hands of Revolutionary Guards and the police, and people have no say or will and this is the basis of the diversion from the principles of the revolution.

The anniversary of the Islamic Revolution every year is the continuation of the Islamic Revolution of 1978, and in one phrase people wanted "Independence, Freedom and Islamic Republic" and the goal of having independence was not to be dependent on any foreign country -- not the United States, nor Russia, nor China, nor any other country.

People want to have security and that someone can attack their homes at any time and do whatever they want; people don't want their dignity endangered and that any group can damage their dignity.

The goal of Islamic Republic was that the vote is the vote of the people; this means a democratic system based on people's will, which same as it is in other countries.

It is not possible that only one person run the country. There have to be laws and the Supreme Leader is also within the law. There has to be law because one person cannot rule 70 million people

The armed forces, police, Revolutionary Guards and military should consider the people's benefit not their own benefit; this means that they should guard people's lives, belongings and dignity and if a foreign country would attack, they should prevent their attacks -- not to sacrifice all these for their own benefit. The police should support the religious figures and scholars, and not do something to isolate them and leave no dignity for anyone except those who obey them

People on every anniversary of the Islamic Republic demand the exact execution of the constitution, and ignoring this demand causes diversion from the Islamic Revolution of 1978.

The state-run TV and radio should be fair and just and reflect the truth.

The Guardian Council should guard the constitution which is based on the teachings of the Prophet Mohammad (peace is upon him).

The judiciary system should be independent and based on God's laws.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و عرض خیر مقدم به همه برادران و خواهران گرامی تسلیت عرض می کنم ایام اربعین حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) را.

برای شادی روح حضرت آیت الله امام خمینی ، آیت الله شهید دستغیب، علمای ربّانی آیت الله نجابت، شهدا و اموات خودتان فاتحه ای بخوانید.

در زیارت اربعین آمده است : " وَبَدَلْ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لَيْسْتَنْفَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ " : یعنی امام حسین (ع) خون دل را هم دادند که مردم را از نادانی و گمراهی نجات دهد. معنی کلام حضرت این است که حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) وائمه اطهار اینطور بودند که خودشان را فدای ارشاد و هدایت مردم می کردند؛ یعنی برای اینکه مردم را از گمراهی مانند بت پرستی و توجه به غیر خدا نجات دهند حاضر بودند جانشان را فدای این مطلب کنند.

بعضی را مثل حضرت ابراهیم (ع) در آتش انداختند که خدایتعالی نخواست و آتش بردا و سلاما شد. بعضی را هم مثل حضرت زکریا ما بین درخت گذاشتند و درخت را با اره بریدند که چرا ایشان مردم را به خداپرستی دعوت کرده است. و بعضی را هم مانند حضرت یحیی به خاطر اینکه حکم شرعی خدا را گفت سر شریفش را از بدنش جدا کردند و در طشت گذاشتند و جلوی طاغوت زمان بردند.

این قضایایی که برای حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) پیش آمد همه اش به خاطر این بود که ایشان سخن از حق می گفت؛ می گفت: ای مردم دنیا پرست نباشید، بت پرست نباشید، شخص پرست نباشید، فقط خدا را در نظر داشته باشید لذا به آرزوی خودشان که رضای خدایتعالی بود رسید در همان وقتی که از اسب به روی زمین افتاد فرمود: " رَضاً بِقَضَائِكَ، تَسْلِيماً لِأَمْرِكَ، لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ " : یعنی من به قضای خدا راضی هستم؛ قضای خدا این بود که این آقا می خواست خودش را فدای دین کند ، خودش را فدای آزادی مخلوق کند، خودش را فدای این بکند که مردم را بکشاند به سوی بهشت.

تَسْلِيماً لِأَمْرِكَ: امر خدایتعالی این است که هر که طالب رضای خدا باشد باید در یک ناراحتی هایی هم واقع شود این طور نیست که شخص رضای خدا را بخواهد و اموالش زیاد گردد و دنیا هم رو به این شخص بیاورد.

لا مَعْبُودَ سِوَاكَ: در آن حالی که هیچ کس غیر از خدا نبود، همه یک طرف و حضرت امام حسین (ع) در طرف دیگر ایشان می خواستند که در مقابل خدایتعالی یک عبد ذلیل باشند. هرچه انسان متواضع تر باشد و خود را کوچک کند این پیش خدایتعالی عزیز می باشد.

الحمد لله که زمان طاغوت ها گذشت و یک بیست و دوم بهمنی پیش آمد که حاصل زحمات طاقت فرسای مردم وندای یک شخص موحد بود که دعوت به خدا و پیروی از سنت حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه وآله وسلم) می کرد. رضوان خدا به حضرت امام خمینی (ره)؛ تمام سعی ایشان این بود که تمام اعمالش مطابق با قرآن و سنت باشد و حاضر بود جان خویش را هم در راه این مطلب بدهد، یعنی حاضر بود جانش را فدای مردم مسلمان وحق جو بکند.

بیست و دوم بهمن سال پنجاه و هفت روزی بود که مردم برای حق خواهی و عدالت قیام کردند، برای اینکه ظلم و ستم ها از بین برود قیام کردند، برای این بود که علمای راستین و حق جو بتوانند حرفشان را بزنند، برای این بود که مردم اگر احیانا حرف حقی دارند بزنند، روز ایثار و برادری و یگانگی مردم بود و تقریبا هم سوء ظن ها از بین رفت و مردم هم دوستیشان بر مبنای خدایتعالی بود. بعد هم که دفاع مقدس پیش آمد و مردم خداجو فرزندانشان را تقدیم این انقلاب کردند.

بیست و دوم بهمن هر سال ادامه همان بیست و دوم بهمن سال پنجاه و هفت می باشد؛ که در یک جمله همه مردم این خواست را داشتند: " استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"

هدف از استقلال این بود که ما نمی خواهیم به هیچ کشوری وابسته باشیم نه به آمریکا، نه به شوروی، و نه به چین و غیره.

مردم می گفتند که ما می خواهیم آزاد باشیم (البته نه آزادی به معنای بی بند وباری) یعنی آزادی در دینشان، آزادی در انتخاب شغل، آزادی در بیان (به خصوص شخصی که عمری درس خوانده است و زحمت کشیده است بتواند حرف بزند و اینطور نباشد که تحت سیطره عده ای باشد)، آزادی در جهات زندگیشان؛ مردم می خواهند امنیت داشته باشند و اینطور نباشد که عده ای بریزند در خانه هایشان و به هر طوری که دلشان می خواهد راه بروند، مردم می خواهند که آبرویشان در خطر نباشد که هر گروهی یک دفعه بیایند و آبروی آنها را ببرند.

هدف مردم از جمهوری اسلامی این بود که رای، رای ما باشد یعنی جمهور مردم همانطور که در اکثر کشورها همین طور است. 98/2 درصد مردم ایران رای به جمهوری اسلامی دادند. مردم در هر بیست و دوم بهمن همین را می خواهند " استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی " که انشاء الله در همین بیست و دوم بهمن نیز همین خواست باشد.

حضرت امام خمینی (ره) و علما و مجتهدین برای تدوین این قانون اساسی زحمت کشیدند؛ همه سعی امام این بود که قانون اساسی مطابق با قرآن و سنت باشد. در هر اصلی که می خواستند تدوین کنند آیه ای از قرآن یا سنت یا نهج البلاغه را می آوردند.

تمام سعی امام بر این بود که به قانون اساسی عمل شود، نظر امام این بود که مجلس یک مجلس مستقلی باشد، قوه قضائیه یک قوه مستقلی باشد و همین طور سایر قوا.

همانطور که حفظ قرآن و سنت بر عهده مردم است، حفظ قانون اساسی هم نیز بر عهده ایشان است؛ همه مردم باید امر معروف و نهی از منکر کنند و این فقط مختص به مجلس خبرگان نباشد. نمی شود که فقط یک شخص عهده دار مملکت گردد قانون باید باشد که ولی فقیه هم در این قانون اساسی گنجانده شده است البته کسی نباید منکر ولی فقیه شود و هیچ مسلمانی نباید انکار کند؛ بالاخره یک مجتهد و فقیه عادل باید میدان دار باشد ولی این طور نیست که قانون به کنار گذاشته شود، قانون باید باشد و آلا یک نفر که نمی تواند هفتاد میلیون را اداره بکند.

قوای انتظامی از سپاه و نیروی انتظامی و ارتش باید منافع مردم را در نظر بگیرند نه منافع خودشان را، یعنی آنها باید حافظ جان و مال و آبروی مردم باشند و اگر خارجی ها قصد تهاجم داشتند جلوی تهاجم آنها را بگیرند؛ نه اینکه همه را فدای منافع خودشان بکنند. قوای انتظامی باید پشت سر علما باشند نه اینکه بیایند یک کاری کنند که این ها را از میدان خارج کنند و هیچ کس هیچ آبرویی نداشته باشد غیر از آنهایی که تابع آنها باشند.

اگر همه بازگشت می کردند به وضع اولیه بیست و دوم بهمن سال پنجاه و هفت چقدر خوب بود، چه گلستانی ما داشتیم، همه دنیا انگشت به دهان می ماندند.

پس خلاصه بیست و دوم بهمن روز تجلی اوصاف خدایتعالی است و جایگزین کردن عدالت بجای ظلم و پیداکردن مقام بزرگ انسانیت که تمام این موارد فراموش شده بود؛ لذا هر بیست و دوم بهمن مردم بدنبال همان آثار بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت هستند و چون آن را مقبول می دانند نمی خواهند که از آن وضع خارج شوند؛ چون اگر آن وضع نباشد خبری از جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. حال باید ملاحظه کرد که شعار بهمن پنجاه و هفت،

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی برای همه است یا فقط برای عده ای این معنا حاصل است؟ مردم در هر بیست و دوم بهمن هر سال خواستار اجرای دقیق قانون اساسی هستند و نادیده گرفتن این خواست موجب انحراف از بهمن پنجاه و هفت است.

مردم ایران خواستار تحقق اهداف رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه هدی (علیهم السلام) می باشند نه اینکه خواستار تحقق چند نفر که وضعشان در نزد مردم معلوم نیست باشند.

صداوسیما باید حق طلب و حق جو و واقع بین باشد، شورای نگهبان باید نگهبان قانون اساسی که همان نظر رسول اکرم (صلوات الله علیه) هست باشد، قوه قضائیه باید مستقل و بر مبنای احکام الهی باشد، نیروهای نظامی نباید در سیاست دخالت داشته باشد و به نظر می رسد امروز تمام امور مملکت از طریق سپاه و نیروهای نظامی صورت می گیرد و مردم هیچ نظر و اراده ای ندارند و این مبداء انحراف از بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت است.

والسلام